

مطالعه سازمان دفاعی سپاه در عهد ساسانی (بر اساس مطالعه تطبیقی منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی)

میلاذ باغ‌شیخی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۸

از صفحه ۴۵ تا ۸۰

فصلنامه علمی مطالعات تاریخ نظامی
سال ششم، شماره بیست‌ودوم، پاییز ۱۳۹۸

چکیده

اردشیر یکم (۲۴۰-۲۲۴ م) بنیانگذار سلسله ساسانی، آداب و رسوم پارس باستان را زنده کرد. در میان طبقات اجتماعی ساسانیان، جنگجویان، دومین طبقه اجتماعی را تشکیل می‌دادند. وظیفه آنان محافظت از فرمانروایی و افراد زیر سلطه‌شان بود. در ابتدا رهبری و هدایت سربازان بر عهده ایران سپاهید بود، اما در دوره قباد و فرزندش خسرو اول، تشکیلات سپاه تغییر یافت و به چهار سپاهید در چهار گوشه قلمرو ساسانی سپرده شد. هدف از پژوهش حاضر این است که ارزیابی شود تا چه حد، داده‌های تاریخی با یافته‌های باستان‌شناختی در زمینه سپاه ساسانی هم‌خوانی دارد و سؤال اصلی پژوهش این است که چه شواهدی باستان‌شناختی، از نظام ارتش ساسانی در ایران فرهنگی یافت گردیده است؟ روشی که در این پژوهش اتخاذ گردیده روشی تاریخی-باستان‌شناختی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و یافته‌های باستان‌شناختی است. نتایج پژوهش نشان داد که در این دوره سازهای دفاعی ساخته شده به سه گروه دژ یا قلعه، دیوار دفاعی و خندق محدود می‌شود و پادشاهان ساسانی در مناطق حساس جغرافیایی جهت حفاظت از راه‌ها و جلوگیری از یورش اقوام بیگانه به خاک امپراتوری شروع به احداث سازهای دفاعی از جمله دیوار دفاعی دربند، گرگان، تمیشه، کلات، گوری و... دژهایی چون سیراف، قصر ابونصر، نخلک، شیرکوه و... کردند.

کلید واژه‌ها

سپاه، سازهای دفاعی، باستان‌شناسی، ساسانی.

۱- دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران m.baghsheikhi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

دوره ساسانی را می‌توان از درخشان‌ترین دوره‌های حکومتی ایران باستان متأخر دانست. پادشاهان ساسانی درکنار تثبیت پایه‌های دین زرتشتی به ایجاد دیوان‌های مختلف پرداختند. شاهنشاهی ساسانی دولتی پیشرفته‌ای بود که با پرداختن به جنگ قادر بود قدرتش را فراتر ببرد و دشمنان سرسختش، در غرب و شمال شرق را دفع کند (جانستن، ۱۳۹۲: ۱۶۰). ارتش ایران ساسانی یا به عبارتی دیگر، سپاه ساسانی توانست با بیش از چهارصد سال پاسداری از خاک ایران، دشمنان پیرامون قلمرو خود را که بر کشور پهناور ایران چشم طمع دوخته بودند در مرزهای کشور ناکام بگذارد.

دیوان سپاه با توجه به سایر دیوان‌های ساسانی از ناشناخته‌ترین دیوان‌های حکومتی در دوره ساسانی است. علت آن، از بین رفتن منابع به‌جا مانده از آن روزگار و پراکندگی مطالب اندک در میان کتاب‌های تاریخی می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در این دوره کتاب‌های نظامی هم تألیف می‌شدند که مهم‌ترین آنها «آیین‌نامه» نام داشت که متأسفانه اصل کتاب امروزه در دست نیست. با این وجود تحقیقات چندی که در زمینه تاریخ و فرهنگ ساسانی انجام شده به سپاه ساسانی نیز در آن اشاره کرده‌اند. مانند کتاب «تحقیقاتی درباره ساسانیان» اثر ایناسترانتسیف (۱۳۸۴)، «ایران در زمان ساسانیان» اثر کریستن سن (۱۳۸۷)، «سواره‌نظام زبده ساسانی» اثر کاوه فرخ (۱۳۸۷)، «تمدن ساسانی» اثر علی سامی (۱۳۸۹/۲)، «مبانی تاریخ ساسانیان» اثر کلاوس شیپمان (۱۳۹۰)، «باستان‌شناسی و هنر ساسانی» اثر یعقوب محمدی‌فر و فرهاد امینی (۱۳۹۴)، «ارتش ایران ساسانی» اثر دیوید نیکول (۱۳۹۵). همچنین می‌توان به مقالات ارزشمندی همچون «ارتش در ایران باستان» مرحوم شاپور شهبازی (۱۳۷۵)، «پژوهشی بر مناصب لشگری دوره ساسانی با استناد به منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی» به قلم رضا مهرآفرین و همکاران (۱۳۸۸)، «به‌کارگیری اصول پدافند غیرعامل در بنای شهر-دژها در ایران باستان» از تورج دریایی (۱۳۹۳) اشاره نمود. بیشتر پژوهشگران در آثارشان به ایران باستان «از تورج دریایی (۱۳۹۳) اشاره نمود. بیشتر پژوهشگران در آثارشان به جنبه تاریخی جایگاه ارتش (سپاه) در دوره ساسانی پرداخته‌اند. در این پژوهش علاوه بر بررسی منابع تاریخی در حیطه پژوهش، به واکاوی شواهد عینی نظام سپاه و امنیت در میان شواهد باستان‌شناختی مکشوفه از ایران فرهنگی عصر ساسانی پرداخته‌ایم؛ بنابراین

با توجه به مطالب فوق سؤالی در اینجا می‌توان مطرح نمود که چه شواهد باستان‌شناختی از نظام ارتش ساسانی در ایران فرهنگی یافت شده است؟ هدف از پژوهش حاضر این است که ارزیابی شود تا چه حد داده‌های تاریخی با یافته‌های باستان‌شناختی هم‌خوانی دارد. پژوهش حاضر، بر اساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی - باستان‌شناختی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و یافته‌های باستان‌شناختی است.

۲. تصویری از جامعه عصر ساسانی در متون تاریخی و شواهد باستان‌شناختی

قدیمی‌ترین تقسیم‌بندی اجتماعی جامعه ایرانی را می‌توان در کتاب اوستا مشاهده نمود. در کتاب اوستا دو گونه تقسیم‌بندی فردمحور (کریمیان، ۱۳۹۳: ۵۴/۳) و شغل‌محور وجود دارد که در آن جامعه به سه طبقه روحانیان، نظامیان و کشاورزان تقسیم می‌شود (کریستن‌سن، ۱۳۸۷: ۱۲۶). در *کارنامه اردشیر بابکان* که از قرار معلوم در سالیان پایانی دوره ساسانی نوشته شده، پیرامون این سلسله‌مراتب آمده است: «سپاهبدان، بزرگان، آزادان و واسپوهرگان، هنگامی که آن‌گونه دیدند، شگفت ماندند. موبدان موبد، ایران - سپهبد، پشتیبان سالار و مهتر دبیران واسپوهرگان پیش اردشیر شدند، به خاک افتادند و نماز بردند» (هاشمی نژاد، ۱۳۶۹: ۶۰). کتاب *یادگار زریران*، متنی اجتماعی است که در آن از «موبدان، ردان، بزرگان و اسپهبدان» سخن به میان آمده است (نوابی، ۱۳۷۴: ۵۲).

در کتیبه دوزبانه شاپور اول (۲۷۱-۲۴۱ م) در حاجی‌آباد فارس، طبقات اجتماعی به صورت، شاهزادگان یا شهریاران^۱، نخبگان (عالی‌رتبگان) یا واسپوهرگان، بزرگان^۲، آزادان^۳ آمده است (پورشریعتی، ۱۳۹۷: ۴۸؛ جعفری‌دهقی، ۱۳۹۵: ۱۹۷-۱۹۸). در سنگ‌نگاره بهرام یکم (۲۷۶-۲۷۳ م) در سراب فارس، پادشاه ساسانی میان چهار تن از شخصیت‌های کشوری نقش شده است (لوکونین، ۱۳۶۵: ۳۱۸-۳۱۷). ثعالبی نیشابوری در کتاب *تاریخ ثعالبی جامعه عصر ساسانی* را تشبیه به بدن یک انسان می‌کند و می‌نویسد: «... در میان شما، عده‌ای فرمانروایان مانند سراند و وظیفه‌شان هماهنگی

1- Shahradaran.

2- Wuzurgan.

3- Azadhan.

اندام‌های دیگر است. عده‌ای [سپاهیان] مانند دست‌اند که زیان‌ها را دور و سودها را نزدیک می‌سازند. عده‌ای [تجار] به جای قلب‌اند که خون را به بدن می‌رسانند و بقیه [کشاورزان، باغداران و...] مانند اندام‌های دیگراند که پیوسته در زحمت و یاری‌رساندن به سایر اندام‌ها می‌باشند» (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۰۵-۳۰۶). مسعودی در مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر اشاره می‌کند: «اردشیر پسر بابک، پیش‌قدم در تنظیم طبقات اجتماعی بود و ملوک و خلفا بعد از او پیروی کردند. خواص اردشیر سه طبقه بودند: نخست اسواران و شاهزادگان بود. جای این طبقه راست پادشاه بود و ده زراع از او فاصله داشتند. طبقه دوم که به فاصله ده زراع از طبقه اول جای داشتند، مرزبانان و شاهان مقیم دربار و سپهداران (فرماندهان نظامی) بودند. جای طبقه سوم ده زراع دورتر از طبقه دوم و اینان دلقکان و بذله‌گویان بودند» (مسعودی، ۱۳۷۴: ۲۳۹).

هر یک از این طبقات خود به خرده نظام‌های کوچکی تقسیم می‌شدند؛ روحانیون طبقه‌ای را تشکیل می‌دادند که درجات و مراتب گوناگونی داشتند: موبدان، هیربدان، دستوران، دادوران و ردان (Daryae, 2009: 43). دومین طبقه اجتماعی جنگجویان یا ارتشتاران بودند و در آغاز ایران سپاهد بر سپاه فرماندهی می‌کرد (ibid: 45) سومین طبقه هم کشاورزان یا واستریوشان و دهقانان بودند که وظیفه آن‌ها کشت زمین و نگهداری مواد غذایی شاهنشاهی بود (ibid: 47).

۱.۲. جایگاه طبقه ارتشتاران در نظام عصر ساسانی

همان‌گونه که در بخش پیش بیان گردید دومین طبقه اجتماعی ساسانی را جنگجویان^۱ تشکیل می‌دادند. وظیفه آنان محافظت از فرمانروایی، مرزها و افراد زیر سلطه‌شان بود. ابتدا رهبری و هدایت سربازان با ایران سپاهد^۲ بود. سپس، در دوره قباد ساسانی (۵۳۱-۴۹۸ م) و پسرش، خسرو یکم، تشکیلات سپاه تغییر یافت و به چهار سپاهد^۳ در چهار گوشه قلمرو فرمانروایی سپرده شد.

ارتشتاران از طبقات مهم جامعه ساسانی بودند که امتیازاتی داشتند. کتاب شکندگمانیک ویچار، جایگاه هریک از چهار طبقه ساسانی را چنین شرح می‌دهد:

1- Arteshtaran.
2- eran-spahbed.
3- Spahbed.

«پیدایش جهان کوچک، یعنی آدمی، همانند است با این چهار طبقه جهان: به سر روحانیت، به دست ارتشتاری، به شکم کشاورزی و به پای صنعتگری» (تفضلی، ۱۳۸۷: ۸). در کتاب مینوی خرد در رابطه با وظیفه طبقات ارتشتاران چنین آمده، پرسید دانا از مینوی خرد که وظیفه هریک از طبقات روحانیون، نظامیان و کشاورزان چیست؟ مینوی خرد پاسخ داد «... وظیفه نظامیان، دشمن زدن و شهر و بوم خویش را ایمن و آسوده داشتن است» (تفضلی، ۱۳۶۴: ۴۹).

۳. واژه‌شناسی سپاه

واژه پهلوی سپاه^۱ در نوشته‌هایی زردشتی بسیار دیده می‌شود. در فارسی میانه و پارسی گند^۲ که در اصل فوج معنی می‌دهد. لفظ گند در نوشته‌های پهلوی معمولاً با واژه سپاه می‌آید و در زبان عربی به صورت جند اقتباس شده است. به عنوان مثال در دینکرد می‌خوانیم «روزی که جنگ قادسیه آغاز شد، ۴۰۰۰ سرباز با رستم فرخزاد حضور داشتند که جند شاهنشاه می‌شدند»، اما در کتاب دینکرد واژه گند به معنی سپاه کاربرد دارد «اگر گند نباشد، شاه بی‌بنده، دین بی‌هوادر و زره نامناسب و آمرزش^۳ کهنه و گنج بی‌سود شود» (تفضلی، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۱).

۱.۳. سپاه ساسانی در منابع تاریخی برجای مانده

ارتش در عهد ساسانی به دو واحد اصلی سواره‌نظام و پیادگان تقسیم می‌شد. همان‌گونه که روحانیون می‌بایست در مدارس علمیه تحصیل می‌کردند، سربازان نیز می‌بایست آموزش نظامی را در دانشکده‌های افسری به نام «ارتشتارستان» می‌آموختند.

ساسانیان، ارتش را سپاه می‌نامیدند که خود تقسیمات فرعی‌تر داشت. سواره‌نظام مهم‌ترین بخش از ارتش بود که معمولاً از بزرگان و آزادان و کسانی که استعداد استثنایی در فن جنگ از خود نشان می‌دادند تشکیل می‌شد. آمیانوس مارسلینوس در قرن چهارم میلادی گزارش می‌دهد: «سواران ایران زرهی بر تن و کلاه‌خودی بر سر داشتند که دو سوراخ برای دیدن داشت. اسب‌هایشان نیز جوشن‌پوش بود» (تصویر ۱).

1- Spah.
2- Gund.
3- Amurzišn.

طبری در کتاب خویش هنگام توصیف اصلاحات خسرو انوشیروان سلاح‌های سواران ایران را این‌گونه توصیف می‌کند: «جوشن اسب یا برگستوان، زره کامل سرباز سوار همراه با زره جداگانه سینه، ساق‌بند فلزی، شمشیر، نیزه، سپر، گرز، کمربندی که محکم بسته می‌شد و تبر یا گرز از آن می‌آویختند دو کمان همراه با تیردانی با سی تیر و دو ریسمان بافته [است]» (دریایی، ۱۳۹۴: ۱۴۸).



2



1

تصویر ۱. شماره ۱. بازسازی از سواره‌نظام ساسانی برگرفته از سایت (www.pinterest.com)

شماره ۲. سواره‌نظام ایوان بزرگ طاق‌بستان (نگارنده، ۱۳۹۳)

در دوره ساسانی همه جوانان ملزم به خدمت در نظام بوده‌اند. آنها ابتدا تحت سرپرستی پیران کارزار دیده و جنگ آزموده، تعلیمات و فنون نظامی را فرا می‌گرفتند و پس از آشنایی به امور نظامی و سربازی به واحدهای ارتشی گسیل می‌شدند و نامشان در آنجا ثبت می‌شد و در جنگ‌ها شرکت می‌کردند (سامی، ۱۳۸۹: ۶۴/۲). شیوه تقسیم سپاه ساسانی مانند دوره پارت بر پایه سیستم ده دهی بود. یک گروهان مشتمل بود بر صد نفر و از ده گروهان یک هنگ پدید می‌آمد و سرانجام از ده هنگ یک لشکر، یعنی ده هزار نفر ایجاد می‌شد (شیپمان، ۱۳۹۰: ۱۱۶) (جدول ۱). بزرگ‌ترین واحد ارتش گند، قسمت‌های کوچک گند را درفش و دسته‌های جزء هر درفش را وشت می‌نامیدند (مقتدر، ۱۳۶۲: ۱۷۱) (نمودار ۱).

جدول ۱. شمارش سپاه ساسانی (نگارنده، ۱۳۹۸)

۱	گروه کوچک	۱۰۰ نفر
۲	هنگ	۱۰۰۰ نفر
۳	لشگر	۱۰۰۰۰ نفر



نمودار ۱. دیاگرام واحدهای نظامی ارتش ساسانی (نگارنده، ۱۳۹۸)

قوای نظامی به طور کلی بخشی در مرکز و بخشی در سرحدات و مرزها متمرکز و آماده بودند. سواره نظام پیشاپیش سپاه وظیفه عمده جنگ را به عهده داشت و این دسته مجهز به زره‌های آهنی بودند که تمام بدن و حتی صورت آنها را می پوشانده و از آسیب تیر دشمن محفوظ بودند (نگاه کنید به تصویر ۱).

روشی نیز که ساسانیان برای تعیین تلفات یا شمارش سپاه خود به کار می بردند این گونه بود پیش از هر لشکری سپاه در حضور شاه، یا سردار فرمانده رژه می رفت و هر سرباز در پایان رژه تیری به داخل سبدهای بزرگی که آماده بود می انداختند و بسته و مهر می شدند و در پایان لشکرکشی سبدها باز می شد و در رژه ای که مجدد برقرار می شد هر سربازی تیری را برمی داشت و تعداد تیرهای برجای مانده در سبدها برابر بود با تعداد سربازان ساسانی کشته شده و یا به اسارت افتاده بودند (شیپمان، ۱۳۹۰: ۱۱۶). پروکوپیوس مورخ رومی معاصر با قباد و خسرو یکم در کتاب *جنگ های ایران و روم* در این باره می نویسد: «... وقتی ازارس به حضور قباد آمد، قباد پرسید آیا دژی از رومیان گرفته است یا نه؟ زیرا مقصود عمده از این لشکرکشی که منذر هم در آن شرکت نموده بود آن بود که شهر انطاکیه تسخیر شود. ازارس پاسخ داد که قلعه از رومی ها بگرفته ام و آنها را در جنگ مغلوب ساخته ام. آنگاه قباد فرمان داد مطابق مرسوم سپاهیان در برابر او سان دهند و هر یک ژوبینی از سبدها بردارند و چون پس از شمارش لشکر معلوم شد که

گروه زیادی در این جنگ کشته شدند قباد ازارس را نکوهش بسیار کرد و درجات او را گرفت» (پروکوبیوس، ۱۳۳۸: ۹۷). سواره نظام سبک معمولاً از مزدوران یا عشایر شاهنشاهی نظیر دیلمیان، گیلانیان، گرجیان، ارمنیان، اعراب، کوشان‌ها و غیره که رومیان از آن‌ها ترس داشتند تشکیل می‌شد (دریایی، ۱۳۹۴: ۱۴۸). پشت سر سواره نظام‌ها، فیل‌های جنگی را قرار می‌دادند تا منظره و نعره آن‌ها هراس در اردوی دشمن بیندازد و اسبان را مرعوب و متوحش سازد (تصویر ۲). بیراهه نیست که این جانوران عظیم‌الجثه را تانک‌های جهان باستان بدانیم که مورخ رومی، آمیانوس مارسلینوس، فیل‌ها را دارای قیافه‌ای مهیب توصیف می‌کند که نظیر برج‌های متحرک بودند و افراد ترسو به‌دشواری می‌توانستند وجود آن‌ها را تحمل کنند (shahbazi, 1987: 497). ابن‌خلدون فیلان را این‌گونه توصیف کرده است: «بر آن‌ها برج‌هایی چوبین مثل کوشک می‌ساختند و از لشکریان و اسلحه و بیرق‌ها پُر می‌کردند و هنگام کارزار در مؤخره لشکر به کردار دیواری ردیف می‌نمودند و لشکریان را بدان پشت‌گرمی و اطمینان قلب حاصل می‌شد» (سامی، ۱۳۸۹/۲: ۶۶ نقل از ابن‌خلدون). البته باید گفته شود که حضور فیل‌ها در جنگ در اواخر حکومت ساسانی با اعراب، دیگر کاربرد نداشت چراکه پارسیان نومسلمان راه‌حل از پای درآوردن فیل‌های سپاه ساسانی از قبیل کور کردن و شکستن صندوق‌های پشت فیل‌ها، بریدن خرطوم و غیره را برملا ساخته بودند (ابن‌مسکویه، ۱۳۶۹: ۱/۲۹۶-۳۰۶).

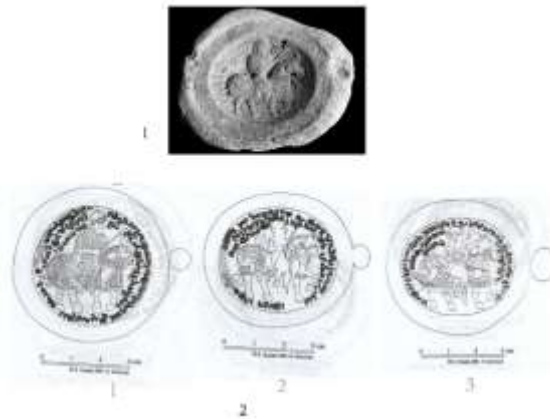


تصویر ۲. نقش برجسته‌های پیروزی شاپور اول بر رومیان بیشاپور و نقش فیل بر بدنه صحنه شکار خسرو پرویز ایوان طاق بستان (www.liveus.org)

از فحوای متون نیز برمی‌آید که در دستگاه نظامی خسرو انوشیروان به افرادی که کارآمد بودند و از اسلحه و مهمات خویش خوب نگهداری می‌کردند حقوق پرداخت می‌شد و حتی خسرو انوشیروان نیز حقوقی نزدیک چهار هزار و یک درهم که برترین حقوق نظامی و معادل حقوق درجه سپهسالاری بود دریافت می‌کرد (نک طبری، ۱۳۷۵/۲). در زمان شاهنشاهی خسرو یکم (۵۷۹-۵۳۱ م) اداره سپاه مشابه وزارت جنگ فعلی وجود داشت. این اداره زیر نظر یک دبیر اداره می‌شد و وظایفی چون: ۱. بازرسی نیروهای نظامی در هر چهار ماه ۲. بهبود سازوبرگ هر دسته ۳. راهنمایی آن

دسته از بازرسان که وظیفه داشتند سپاه را در فنون سوارکاری و تیراندازی آموزش دهند را به عهد داشت (تفضلی، ۱۳۸۷: ۱۸). به گفته طبری خسرو یکم، بابک بهروان را برای تشخیص مسائل سپاه می‌گمارد (طبری، ۱۳۷۵: ۷۰۴/۲). مسائلی که توسط شاه قرائت شده بود، عبارت بود از: «کسانی هستند که لیاقت ۱۰۰۰ درهم دارند، اما تنها ۱۰۰ درهم می‌گیرند. کسانی هستند چیزی برای سوار شدن ندارند اما به اندازه یک سواره‌نظام دریافت می‌کنند. برخی هم جانور سواری دارند اما سواری گرفتن از آن را نمی‌دانند برخی تیرانداز نیستند حقوق یک تیرانداز می‌گیرند...» (بلعمی، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

به گزارش منابع نوشتاری پیش از حکومت قباد یکم یک ایران سپاهبد فرماندهی همه نیروهای جنگی را به عهده داشت اما در زمان پادشاهی خسرو یکم، تقسیم سپاه به چهار سپاهبد صورت گرفت. نکته قابل توجه این موضوع کشف چهار اثر مهر سپاهبدان خسرویکم است که در چهار بخش از قلمرو ساسانی حکمرانی می‌کردند. مجموعه مهرهای به دست آمده در بردارنده یازده اثر مهر متعلق به هشت سپاهبد مختلف از هر چهار کوست قلمرو دولت ساسانی است. دو سپاهبد مهرهایی دارند که نمایانگر گمارده شدن آنها توسط دو شاه متفاوت است. دو عدد از اثر مهرها مربوط به یک فرد از خاندان پارتی [داد- برز- مهر] و دو عدد متعلق به خاندان پارسی [اوه-شاپور] است (گیزلن، ۱۳۸۴: ۳۵-۴۵) (تصویر ۳).



تصویر ۳. شماره ۱. گِل مهر ایران سپاه بد نیمروز (Daryae and Keyvan Safdari, 2012: 164)

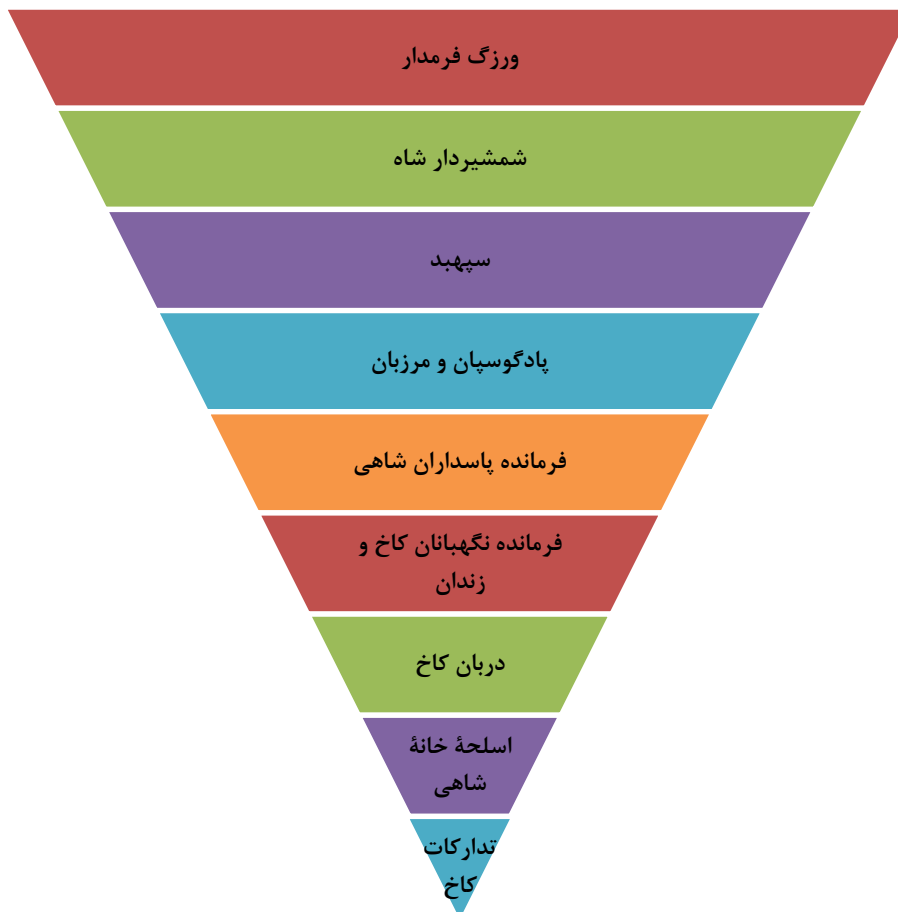
تصویر ۳. شماره ۲. اثر مهرهای سپاهبدان خسرویکم ساسانی (گیزلن، ۱۳۸۴: ۳۵-۴۵)

۲.۳. مشاغل نظامی، کتب و پرچم سپاه ساسانی

بیشتر مناصب مهم نظامی در اختیار خاندان حاکم عصر ساسانی بود. در یک بررسی کلی می‌توان مقامات بزرگ نظامی را این‌گونه بیان نمود: ورزگ فرمدار (وزیر بزرگ)، شمشیردار شاه، سپهبد، پادگوسپان، مرزبان یا فرمانده انتظامی استان، فرمانده پاسداران شاهی، فرمانده نگهبانان کاخ و زندان، دربان کاخ، فرمانده اسلحه‌خانه شاهی و مسئول تدارکات کاخ (نیکل، ۱۳۹۵: ۴۲) (نمودار ۲). در فهرست درباریان شاپور یکم در کتیبه کعبه زرتشت، از یک عنوان دیگر تحت عنوان دزئدشهرکرد یاد گردیده و این عنوان به معنای فرماندار قلعه است و محققینی همچون تفضلی معتقد که منصب ارگبندی بالاتر از منصب دزئد بوده است (مهرآفرین و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

نیروی نظامی سپاه در عهد ساسانی به قدری مهم بود که در این دوره کتاب‌های بسیاری درباره فنون رزمی و آیین سپاهیگری وجود داشته است که برخی از آن‌ها در دوره اسلامی تا قرن دوم هجری نیز باقی مانده بود (ایناسترانتسیف، ۱۳۸۴: ۳۳). یکی از فصل‌های کتاب دینی زرتشتیان اوستا، «رتشتارستان» بود که در آن از جنگ، سپاه، فنون و لوازم و قواعد جنگی بحث می‌شد. در این باب علاوه بر پرداخت حقوق و جیره‌های غذایی به افسران و سربازان ساسانی از مخازنی تحت عنوان انبارک و گنز (قورخانه) یاد می‌کند که انبارد مؤلف به نگهداری از آن‌ها بود که در مواقع جنگ تحویل نظامیان می‌شد. سردار باید در فنون جنگی و اداره سپاه مهارت داشته باشد و در کارزار به سرعت از جا نرود و الفاظی که در سربازان ترس ایجاد کند بر زبان نراند (سامی، ۱۳۸۹: ۷۳/۲).

آئین‌نامک منبعی دیگر مرتبط با سپاه، مجموعه‌ای از آئین و آداب نبرد، لشکرکشی، تیراندازی، چوگان‌بازی، پیش‌گویی و اندرزهای شاهان را شامل می‌شود. این کتاب بنا به گفته مسعودی در *التنبيه و الاشراف* چند هزار صفحه بوده و نسخه کامل آن در نزد موبدان و سایر اشخاص قدرتمند قرار داشت (عبدالمحدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۵-۱۵۶). از جمله قواعدی که در این کتاب آمده اگر هر دو سپاه در نزدیک رودخانه باشند و بخواهند رود را از همدیگر بگیرند باید صبر کنند تا سواران و چارپایان دشمن رفع عطش کنند زیرا مردان پس از رفع تشنگی زودتر مغلوب می‌شوند و فرمانده سپاه باید سپاه را طوری قرار دهد که باد و آفتاب پشت سر باشد (سامی، ۱۳۸۹: ۷۴/۲).



نمودار ۲. دیاگرام فرضی مشاغل نظامی دربار ساسانی (نگارنده، ۱۳۹۸)

ساسانیان دو نوع اصلی درفش در جنگ‌ها به کار می‌بردند؛ یک نوع نوارهایی باریک و بلند که صفحه‌ای مستطیلی شکل داشت و از تیری افقی آویخته بودند که این نوع درفش‌ها را یگان‌های کوچک وشت به کار می‌بردند، ولی یگان‌های بزرگ‌تر از انواع صلیب‌مانند استفاده می‌کردند (نیکل، ۱۳۹۵: ۴۴). مهم‌ترین پرچم ساسانیان «درفش کاویان» نام داشت، این پرچم را پنج‌تن از موبدان پیشاپیش سپاه حمل می‌کردند و چنانچه اگر این پرچم توسط دشمن گرفته می‌شد به منزله شکست سپاه ساسانی بود. به‌گونه‌ایی که در سال ۶۳۵ م. به دست سپاهیان مسلمان افتاد. در شاهنامه حکیم توس می‌خوانیم که:

بیابی، شود روز ایشان بنفش

گر آن مُردری کاویانی درفش

درفش و همه نیزه کن ریزیز

اگر دست‌یابی به شمشیر تیز

(رضایی دشتارژنه، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۳)

خوشبختانه تصویر پرچم ساسانی روی برخی از نقوش برجسته‌های نبرد پادشاهان این دودمان حک شده است. به‌عنوان نمونه در نقش رستم نقش شماره ۷، نبرد تن‌به‌تن بهرام دوم (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۲۶) یا بهرام پنجم (فن‌گال، ۱۳۷۸: ۴۶-۴۲) و در نقش رستم شماره ۵، نبرد تن‌به‌تن هرمزد دوم با دشمن (لوکونین، ۱۳۶۵: ۳۲۲) پشت سر شاه شخصی بیرق ساسانی را برافراشته است (تصویر ۴).



1



2

تصویر ۴. شماره ۱. نمونه پرچم ساسانی در نقش نبرد تن‌به‌تن هرمزد دوم در نقش رستم

(تصویر ۴. شماره ۲. نگارنده، ۱۳۹۳ pl183 Coste, 1867)

۴. استحکامات دفاعی ساسانی

استحکامات دفاعی از گذشته، ساختارهای اساسی شهرها و آبادی‌ها بوده و نقشی کلیدی در ادامه حیات و بقای جوامع و حکومت‌ها داشته است؛ می‌توان این سازها را به سه گروه طبیعی، دست‌ساخته انسانی و تلفیقی بخش‌بندی نمود. استحکامات دفاعی به گونه‌هایی همچون دژها و قلاع، خندق و آب‌بندها، دیوار، تونل‌های مخفی و...

تقسیم‌بندی می‌شوند (توفیق و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۴) در ادامه پژوهش به معرفی استحکامات دفاعی ساسانی در حد امکان می‌پردازیم (جدول ۲).

جدول ۲. سازه‌های استحکامی اشاره شده در متن پژوهش (نگارنده، ۱۳۹۸)

ردیف	نوع سازه دفاعی			نام سازه	هم‌دوره پادشاه یا تاریخ ساخت
	دژ	خندق	دیوار		
۱	×	-	-	نخلک	۷۰۰-۱۷۰ م.
۲	×	-	-	سیراف	شاپور دوم
۳	×	-	-	ابونصر	۷۵۰-۲۵۰ م.
۴	×	-	-	تخت سلیمان	۶۰۰ م.
۵	×	-	-	ایرج / گبری	شاپور دوم
۶	×	-	-	قیز قلعه	---
۷	×	-	-	قلعه دختر بازه هور	---
۸	×	-	-	قلعه شیرکوه ناپین	---
۹	×	-	-	سامرا و قادسیه	شاپور دوم
۱۰	×	-	-	اربل	---
۱۱	×	-	-	دستگرد	خسرو دوم
۱۲	×	-	-	هیت و عانات	خسرو یکم
۱۳	-	×	-	خندق شاپور	شاپور دوم
۱۴	-	-	×	گرگان	۶۱۰-۴۳۳ م.
۱۵	-	-	×	تمیشه	خسرو یکم
۱۶	-	-	×	خراسان	یزدگرد دوم
۱۷	-	-	×	دربند	یزدگرد دوم
۱۸	-	-	×	گوری	---

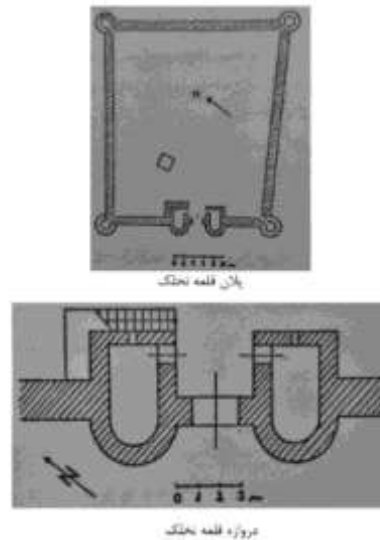
۴.۱. دژ

در برنامه نظامی ساسانی دژها از جایگاه و اهمیت بسیاری برخوردار بودند. این دژها با توجه به موقعیت آن‌ها دارای یک یا چند دروازه بودند. مصالح به‌کار رفته در آن‌ها خشت، آجر، سنگ تراش‌خورده، قلوه و لاشه‌سنگ همراه با ملات گچ یا ساروج است. از لحاظ کارکرد این دسته از سازه‌ها به دو گروه دژهای نظامی و غیرنظامی تقسیم می‌شوند (محمدی‌فر و امینی، ۱۳۹۴: ۱۰۶-۱۰۵). در این بخش از پژوهش با بررسی سازه‌های دفاعی ساسانی در ایران فرهنگی تنها به معرفی چند عدد از بناهای نظامی به دلیل طولانی نشدن مبحث پرداخته می‌شود تا به پرسش اشاره شده در مقدمه پژوهش پاسخ

دهیم. نکته‌ای که در اینجا قابل توجه هست از نظر گزینش مکان برای ساخت دژ، ساسانیان تعصب خاصی نداشته و تنها در مناطقی که برای آن‌ها اهمیت نظامی و دفاعی داشت استحکامات دوره قبل را بازسازی یا قلعه‌های جدیدی احداث می‌نمودند.

۴.۱.۱. دژ نخلک

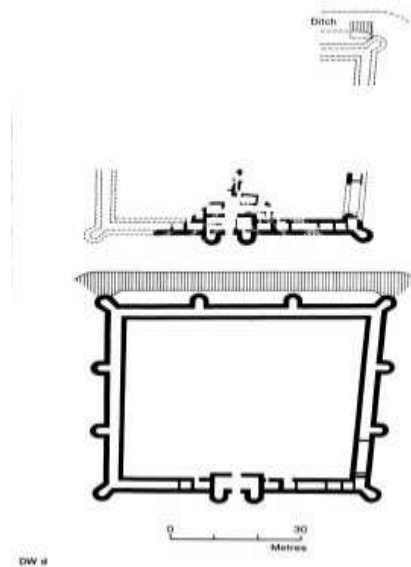
این دژ مابین نایین و انارک قرار دارد. در سمت شمال غربی و جنوب شرقی، توسط دو رودخانه عمیق خشک احاطه شده و همین موقعیت رودخانه باعث شده که دژ پلانی دوزنقه‌ای پیدا کند. چهارگوشه دژ برج‌هایی به صورت سه ربع دایره و ورودی‌های آن نیز با دو برج نیم‌دایره احاطه گردیده است. مصالح ساخت دژ سنگ لاشه و ملات گل و آهک و کاربرد نظامی نداشته برای محافظ از معدن ساسانی نخلک احداث شده بود. هالیر بر اساس ویژگی‌های معماری آن را مربوط به دوره ساسانی می‌دادند. بر اساس آزمایش کربن ۱۴ روی یک نمونه زغال به دست آمده از داخل دیوار دژ تاریخی بین ۱۳۰-۱۷۰ م به دست آمد که با سبک معماری دژ متضاد است. هالیر اشاره می‌کند ممکن است سال‌یابی با اشتباه همراه باشد زیرا تاریخ ارائه شده تاریخ قطع درخت را نشان می‌دهد شاید بعدها این قطعه درخت کهنه در بنا استفاده شده است این گونه می‌توان نتیجه گرفت تأسیسات معدن در دوره‌های قبل ساسانی دایره و حداقل تا ۸۶۰-۷۰۰ م مورد استفاده قرار دادند (هالیر، ۱۳۵۴: ۴۱۰-۴۳۷) (تصویر ۵).



تصویر ۵. نقشه دژ و آتشگاه داخل نخلک (هالبر، ۱۳۵۴: ۴۱۱)

۲.۱.۴. دژ سیراف

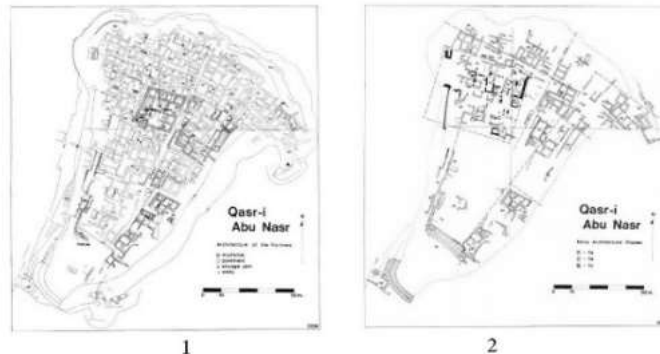
سیراف از جمله بزرگ‌ترین محوطه‌های شناسایی و کاوش شده در سواحل ایرانی خلیج فارس است. کاوش‌های باستان‌شناسی سیراف از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۳ میلادی به مدت هفت فصل توسط هیئت مشترک ایران و انگلیس به سرپرستی وایت‌هاوس انجام شد. دژ سیراف در زیر بقایای مسجدی مربوط به قرن سوم هجری قرار دارد. این بنا چهارگوش و چهار برج دایره‌ای توخالی در چهارگوشه دارد. در قسمت جنوب و شرق قلعه یک ردیف اتاق قرار داشت که احتمالاً محل سربازخانه یا اسلحه‌خانه بود. دروازه ورودی به شکل چهارگوش با دو برج نیم‌دایره‌ای توخالی در دو سو و در سمت شرق قلعه قرار داشته است (خسروزاده، ۱۳۹۶: ۱۵۳). وایت‌هاوس معتقد است که قلعه سیراف توسط شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م) و برای مقابله با حمله اعراب به منطقه فارس ساخته شده است و برای آن چهار دوره معماری قائل است که دوره‌های اول و دوم آن مربوط به دوره ساسانی می‌باشد (Whitehouse, 1972: 70-71) (تصویر ۶).



تصویر ۶. دژ و قلعه سیراف بالا بقایای به دست آمده از کاوش، پایین بازسازی فرضی بنا
(Whitehouse, 1974: 8)

۳.۱.۴. دژ قصر ابونصر فارس

محوطه قصر ابونصر، در شرق شهر شیراز واقع است. این دژ روی صخره‌های طبیعی بنا شده است. از شمال، توسط رشته کوه‌ها و از سمت جنوب با آبراه‌های عمیق و خشک از محیط اطراف جدا می‌شود. مهم‌ترین بنای این محوطه ساختمان مرکزی تشکیل می‌دهد که به نام تختگاه معروف است. بر اساس داده‌های باستان‌شناسی به سه دوره کلی هخامنشی تا اوایل اسلامی (۷۵۰ م) تقسیم می‌شود (Whitcomb, 1985: 87-105) (تصویر ۷).



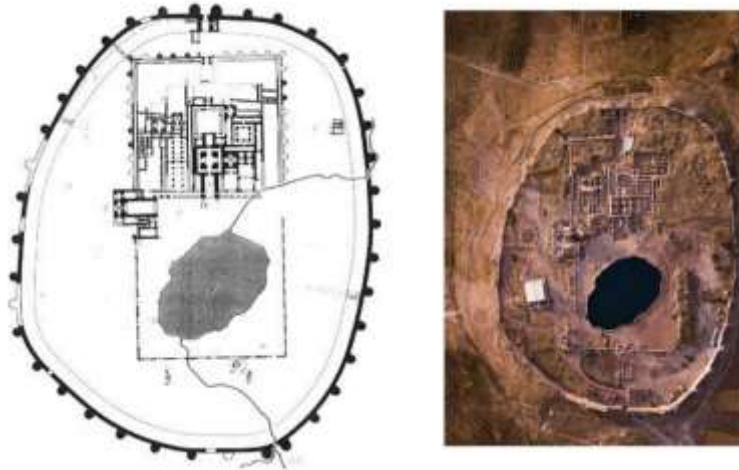
1

2

تصویر ۷. شماره ۱. دژ قصر ابونصر فازهای اولیه (اواخر اشکانی، اوایل ساسانی)؛ تصویر ۷. شماره ۲. بقایای معماری دوره متأخر (Whitcomb, 1985: 94-95)

۴.۱.۴. دژ تخت سلیمان

ساسانیان در برخی جاها جهت حفظ از تأسیسات اداری و مذهبی خود نیز اقدام به ایجاد دژ می نمودند که تخت سلیمان جایگاه یکی از سه آتشکده مهم ساسانی، آتشکده آذرگشنسب مربوط به طبقه ارتشیان در این مکان قرار داشت. دژ تخت سلیمان دارای حصار با ۳۸ برج به شکل نیم دایره یا سهمی شکل، با دو دروازه شمالی و جنوبی که دروازه اصلی در بخش شمالی قرار دارد. مجموعه بناهای داخل حصار نیز، به شکل مستطیل همراه با برج هایی نیم دایره احاطه شده اند (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۱۲۰) (تصویر ۸). مجموعه تخت سلیمان بر اساس مواد فرهنگی یافته شده نظیر مهر و گل مهر معمولاً به قرن ۶ م. نسبت می دهند.



تصویر ۸. دژ و محوطه باستانی تخت سلیمان (Huff,2002,fig1)

۵.۱.۴. دژ قیزقلعه

دژ دفاعی قلعه دختر ساوه روی صخره بلند مشرف به دشت ساوه بنا شده و از سه طرف شرق، غرب و جنوب با صخره‌های متعدد دیگری احاطه شده است. قلعه از دو بخش دژ و قصر تشکیل شده و دارای چهار برج دیده‌بانی در ضلع شمالی، غربی و شرقی است (تصویر ۹). دروازه ورودی در ضلع شرقی صخره قرار دارد و ورود به قلعه از طریق چند راه‌پله سرپوشیده صورت می‌گرفت از پله‌های پشت بنا برای ورود و خروج نگهبانان و از پله‌های غربی برای ورود و خروج مقامات و حمل آذوقه استفاده می‌شد. در داخل دژ نیز اتاق‌های تودرتو و با یکدیگر ارتباط داشتند و با توجه به ارتفاع دیوارها احتمالاً قلعه دو یا سه طبقه بوده است (مجیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴).



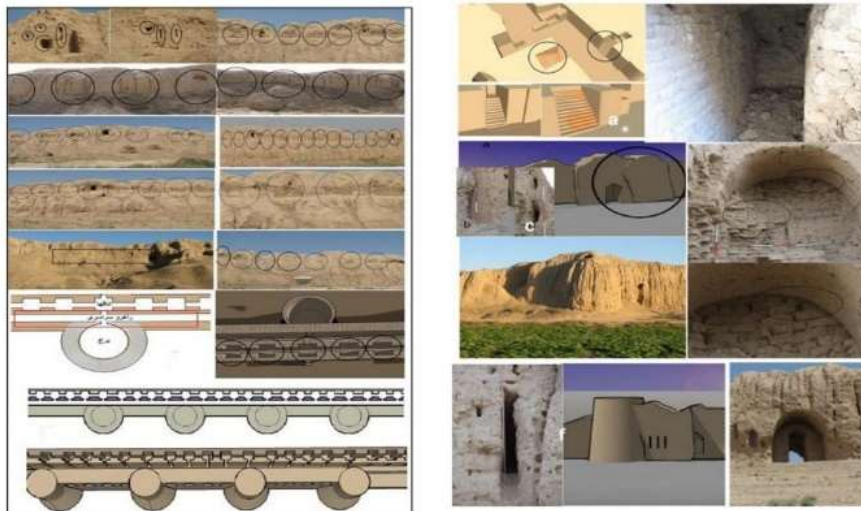
تصویر ۹. دور نمایی از دژ قیزقلعه ساوه (www.sassanids.com)

۶.۱.۴. قلعه ایرج یا قلعه گبری

یکی از محوطه‌های مهم تاریخی در فهم ایالت ری و وسیع‌ترین محوطه محصور دشت تهران، قلعه ایرج ورامین است. این محوطه با مساحتی بالغ بر ۱۹۰ هکتار وسعت، در حدود ۲ کیلومتری شمال شرق شهر ورامین واقع شده است. محوطه طی دو فصل در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱ توسط محمدرضا نعمتی کاوش گردید که شامل ۱۸ گمانه آزمایشی در بیرون حصار، کاوش در دروازه جنوب شرقی، مستندنگاری بقایای معماری حصار و بررسی اطراف محوطه تا شعاع یک کیلومتر.

حصار قلعه مربع‌مستطیل، ارتفاع ۱۵ متر، عرض دروازه ۳۵ متر است. این محوطه ۱۴۸ برج با فاصله تقریبی ۲۸ متر دارد. خندق قلعه ۳۰ متر عرض و ۴ الی ۲۰ متر عمق دارد. در حدفاصل برج‌های بیرونی حصار بقایای چهارطاق دیده می‌شود. استفاده از طاق‌های نیم‌دایره و تیزه‌دار که قابل مقایسه با برج‌های بیشاپور و تخت سلیمان فرض ساسانی بودن حصار را منطقی نشان می‌دهد. از دروازه جنوب شرقی سفال‌نوشته‌های ساسانی نیز یافت گردید. کاربری‌های متعددی همچون شهر، شکارگاه، پادگان نظامی برای این قلعه متصور شدند. باوجود ۸۱۴ اتاق در داخل حصار و نبود ساختارهایی در فضای درونی محوطه می‌توان با احتیاط قلعه ایرج را یک پادگان و مرکز نظامی از دوره ساسانی دانست و می‌توانسته چند کاربری تأمین امنیت منطقه، جلوگیری از شورش

احتمالی، آموزش نیروی نظامی بین‌راهی داشته باشد. پادگان قلعه ایرج احتمالاً جمعیتی بالغ بر ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ نفر داشته است. متون تاریخی گواهی می‌دهد که در زمان خسرو دوم، مراکز نظامی در ری وجود داشته است و طبری نیز به وجود مراکز نظامی در زمان یزدگرد سوم (۶۵۱-۶۳۲ م) در ری اشاره می‌کند (موسوی‌نیا و نعمتی، ۱۳۹۵: ۱۹۱-۲۰۱). شایان ذکر است که طبق صحبت نگارنده با کاوشگر محوطه، بر اساس نتایج آزمایش‌های کربن ۱۴ معتقد هستند قلعه مربوط به دوره حکومتی شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م) می‌باشد (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰. بازسازی و تصویر بقایای داخل حصار، دروازه، برج‌ها و تیرکشی‌های قلعه ایرج ورامین (موسوی‌نیا و نعمتی، ۱۳۹۵: ۲۰۴-۲۰۵)

۷.۱.۴. قلعه دختر بازه هور

قلعه دختر بازه هور محوطه‌ای به وسعت تقریبی ۴ هکتار است که در جانب شرقی راه قدیم خراسان- سیستان و در ۷۵ کیلومتری غرب شهر مشهد واقع است. این بنا بر فراز کوهی به ارتفاع تقریبی ۱۷۰ متر واقع شده، از شمال مشرف به چهارطاقی بازه هور است. مجموعه چهارطاقی و قلعه دختر و محوطه استقرار که بین این دو گسترده است، زیستگاهی را تشکیل می‌دهد که بر اساس شواهد سطحی، از دوره ساسانی تا سده چهارم ه.ق مسکون و آباد بوده است (تصویر ۱۱) (لباف‌خانیک، ۱۳۹۸: ۲۷۲).



تصویر ۱۱. موقعیت قلعه دختر در محوطه بازه هور (لباف‌خانیکی، ۱۳۹۸: ۲۷۲)

۸.۱.۴. قلعه شیرکوه نایین

بنا در شمال روستای شیرکوه، بالای کوهی بنا شده که با شکل آن هماهنگ است، پلان و شکل قلعه تقریباً نامنظم بوده، به گونه‌ای که مسیر دسترسی به آن سخت و دارای شیب تندی است؛ موقعیت قرارگیری قلعه شیرکوه به گونه‌ای است که از قلعه شیرکوه، چهارطاقی و از مرکز چهارطاقی قلعه مشاهده می‌شود و فاصله‌ی زیادی بین آن‌ها وجود ندارد. حصار دورتادور قلعه تا حدی زیاد تخریب شده است و فقط در قسمت شمالی آن حصار سرتاسری آن نسبتاً سالم پا برج می‌باشد؛ مصالح مورد استفاده در احداث قلعه قله‌سنگ در دیوار، خشت در برج‌ها و ملات گچ می‌باشد؛ در داخل قلعه بنایی مستطیل شکل مشاهده می‌شود که جهت آن شمال شرق - جنوب غرب و مشرف بر سطح پایین دشت و روستا می‌باشد و ابعاد بنا ۸×۲ متر است (تصویر ۱۲) (باغ‌شیخی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲).



قلعه شیرکوه دید از غرب



قلعه شیرکوه دید از شرق



بنای مرکزی قلعه شیرکوه



بنای مرکزی قلعه دید از روبرو

تصویر ۱۲. قلعه شیرکوه نایین (باغ شیخی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴)

۹.۱.۴. دژ سامرا و قادسیه

سامرا در اصل از بناهای شاپور دوم (ذوالاکتاف) بوده است. آمیانوس مارسلینوس تاریخ‌نگار رومی معاصر شاپور دوم از سامرا و دژ آن همچون بنایی موجود و شناخته شده

نام برده است. هرتسفلد در سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۳۱ م کاوش‌هایی در سامرا انجام و در خرابه‌های دژ سامرا نوعی سفال رنگی به دست آورد که آن را از نوع سفال‌های ایرانی دوره باستان می‌داند (علیتاجر و اکبری، ۱۳۹۱: ۳۰، نقل از محمدی‌ملایری، ۱۳۷۵/۲).

قادسیه نیز یکی دیگر از پادگان‌های نظامی ایران در حاشیه صحرا بود که به علت جنگ میان ایران و اعراب اهمیتی زیادی دارد و جغرافی‌نویسان مسلمان همچون مسعودی و یاقوت نیز در کتب خویش اشاره کرده‌اند. دژ بارویی هشت‌ضلعی داشته که طول هر ضلع ۶۲۰ متر و از خارج ۱۷ پایه نیم‌دایره‌ای به قطر ۴/۷ متر آن‌ها را تقویت می‌کرده است. ضخامت دیوار بارو ۴ متر و ارتفاع آن ۵ متر بوده است. در طرف شمالی دژ قادسیه آثار نهر بزرگی دیده می‌شود که از سمت شمال غربی به درون دژ وارد می‌شده است (همان: ۳۱).

۱۰.۱.۴. دژ اربیل

دژ اربل احتمالاً همان اربیل امروزی واقع در کردستان عراق قرار دارد که اربیل خوانده می‌شود. ملایری در توصیف دژ اربیل به نقل از یاقوت حموی آورده که دژی استوار و شهری بزرگ در زمینی گسترده و پهناور قلعه آن را خندقی ژرف فراگرفته حصار شهر در نیمه آن منقطع می‌گردد و این قلعه بر تل بلند خاکی عظیمی است که بالای آن پهن و گسترده است و در داخل این قلعه بازارها و منازل رعیت و مسجدی برای نماز هست (همان: ۳۲).

۱۱.۱.۴. دژ دستگرد

خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۱ م) تا زمانی که هراکلیوس بر وی تاخت اقامتگاهی مطبوع وی در محلی بود که قلعه دستگرد می‌خواندند. از آن پس به دستگرد خسرو معروف گردید که در کتاب‌های عربی «الدسکره» یا «الدسکره الملک» خوانده شده است. این قلعه بر سر شاهراهی بود که از بغداد به همدان می‌رفت. مصالح به کار رفته در آن شامل آجر و ملات گچ است. امروزه ۱۲ برج سالم و چهار برج تخریب شده که بنابر نوشته هرتسفلد حصار دستگرد محکم‌ترین حصار آجری است که از عهد قدیم در آسیای غربی باقی مانده است (همان).

۱۲.۱.۴. پادگان هیت و عانات

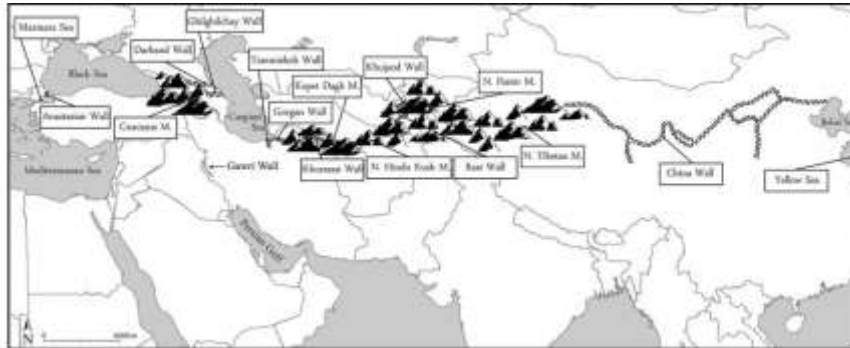
خسرو یکم برای تقویت بنیه دفاعی ایران در مرزهای غربی مجاور با روم و صحرای عربستان، شروع به بازسازی پادگان‌های این منطقه و تعمیر خندق شاپور و ایجاد تشکیلات نظامی در آنجا پرداخت. هیت یکی از مناطق آباد و از پادگان‌های مهم حاشیه صحرای عربستان بود که در زمان خسرو یکم جهت اقامت موقت سفیرانی که از خارج به دربار ایران می‌آمدند معین شده بود و دارای بارو و دژی استوار بود. عانات هم در مجاورت هیت بود و رود فرات آن را تقریباً دور می‌زد و از آنجا به هیت و انبار می‌رفت (همان: ۳۰).

۱۳.۱.۴. آبراه خندق شاپور

خندق شاپور که در اصل آبراه بزرگی بود به فرمان شاپور دوم ساسانی و برای حفظ امنیت استان‌های غربی سواد ساخته شده است. این مناطق همواره مورد تاخت و تاز قبایل صحراگرد بوده است. در کنارهای این آبراه به فاصله‌های معین پادگان‌ها و دیده‌بانی‌هایی ساخته بودند که در آن‌ها همیشه مرزبانانی به نگهبانی می‌پرداختند (علیتاجر و اکبری، ۱۳۹۱: ۳۰، نقل از محمدی‌ملایی، ۱۳۷۵/۱).

۴.۲. دیوارهای دفاعی

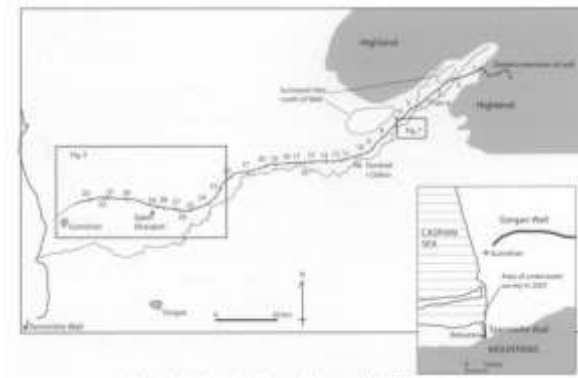
از جمله دیگر ساختارهای دفاعی ساخته شده در دوره ساسانی سازه‌هایی تحت عنوان دیوارهای دفاعی است، دیوارهایی طویل و بلند که میان آن‌ها با فاصله‌هایی برج و دژهایی مستحکم ساخته شده بود و به منظور جلوگیری از نفوذ اقوام بیابان‌گرد ساخته شده‌اند. نمونه‌های از این دسته بناها در قسمت شمال شرق (گرگان)، شرق (خراسان بزرگ)، شمال غرب (قفقاز)، غرب ایران و عراق فعلی (دل ایرانشهر) از کاوش‌ها یا بررسی‌های باستان‌شناختی به دست آمده است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳. نمایی از دیوارهای دفاعی دوره ساسانی در نوار شمالی و غربی ایران (Alibaigi, 2019: fig 1, after Labbaf-Khaniki 2018)

۱.۲.۴ دیوار دفاعی گرگان

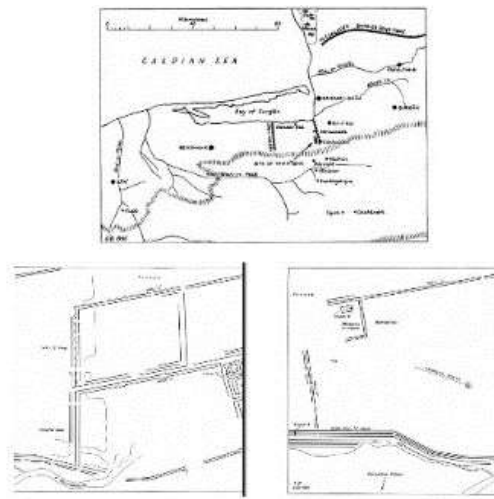
دیوار دفاعی گرگان در منابع گوناگون، به صورت «سد سکندر»، «سد انوشیروان»، «سد فیروز و قزل آلان» در طی ادوار مختلف شهرت یافته است. طول فعلی دیوار گرگان ۱۵۵ کیلومتر و مرحوم کیانی زمان احداث آن را مربوط به دوره اشکانی (مهرداد اول) می‌داند که در دوره ساسانی بازسازی شده بود (کیانی و مهریار، ۱۳: ۱۰۴-۱۱۰). دیوار از شرق دریای مازندران و از گمیشان شروع و تا منطقه پیش‌کمر ادامه دارد. در طول دیوار بیش از ۳۳ قلعه با شکل‌ها و اندازه‌های متفاوت شناسایی شده است که عموماً چهارگوش یا مربعی هستند و مصالح دیوار خشت و آجر است. دیوار گرگان با یک سامانه عظیم آب‌رسانی همراه بوده که شامل سد خاکی و کانال‌های مرتبط و خندقی در امتداد دیوار بوده است. اولین تحقیق جدی روی این دیوار از سال ۱۹۷۱ م به رهبری مرحوم یوسف کیانی آغاز شد. بر اساس آزمایش‌هایی سن‌سنجی که روی برخی از آجرهای دیوار انجام گرفته نشان می‌دهد که تاریخ ساخت و ساز دیوار به روزگار ساسانی اشاره دارد و ارتباطی دیوار با دوران اشکانی که برخی محققین اعتقاد دارند صحیح نیست تاریخ‌هایی که روش‌های سال‌یابی به دست باستان‌شناسان داده ۴۴۶-۲۴۶ م و ۴۳۳-۶۱۰ م، نشان می‌دهد که دیوار گرگان، در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی ساخته شده است (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۵-۵۹) (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴. نقشه ساده دیوار دفاعی گرگان (Omrani Rekavandi, et all, 2008: fig 1)

۲.۲.۴ دیوار تمیشه

دیوار تمیشه در شرق مازندران و در جنوب دیوار دفاعی گرگان قرار دارد (نک. تصویر ۱۳). نقطه شروع دیوار از جنوب شرقی دریای مازندران و تا رشته کوه های البرز ادامه دارد. در سه نقطه (A-C) توسط بیوار و فهروری کاوش هایی انجام شد که در ترانسه A آن بقایای دیوار بلند دفاعی شبیه به دیوار گرگان شناسایی گردید؛ کاوشگران این دیوار را از ساخته های خسرو یکم می دانند (Bivar and fehervari, 1966:42-47) (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵. دیوار دفاعی تمیشه گرگان (Bivar and fehervari, 1966: 38,40,41)

۳.۲.۴. دیوارهای دفاعی خراسان بزرگ

در دوره ساسانی مهاجرت اقوامی که از مرزهای شرقی چین و ماوراءالنهر به سوی ایران گسیل شده بود شدت گرفت و به یورش‌های غارت‌گرانه تبدیل شد. این اقوام مهاجم شاخه‌ای از هون‌ها بودند. هون‌ها در اوایل قرن چهارم میلادی به سوی شمال شرق ایران و هپتالی‌ها در قرن پنجم میلادی هم‌زمان با سلطنت بهرام پنجم (۴۳۹-۴۲۱ م) هجوم بردند. کپه‌داغ رشته‌کوهی است که امروزه مرز طبیعی دو کشور ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد (نک. تصویر ۱۳). در منتهی‌الیه شرقی این کوه گذرگاهی وجود دارد که به نام «دیوار آق‌دربند» معروف است و دشت مشهد را به رود تجن مرتبط می‌سازد؛ طول دیوار ۱۰۰ متر ساخته شده بود. این دیوار در فواصل متوالی دارای برج-هایی است که تا کلات ادامه پیدا می‌کند و در جنوب شهر کلات به نام «دربند ارغون» شناخته می‌شود، بستر رود پرآب ژرف نیز می‌باشد. ساکنان کلات برای مسدود ساختن این دروازه طبیعی، دیواری ساخته بودند؛ از دیوار دربند ارغون تا اواخر دوره قاجار استفاده می‌شد.

کوه‌های قفقاز دسترسی اقوام شمالی را به سرزمین‌های حاصلخیز آناتولی محدود می‌ساخت. علاوه بر دیوارهای فوق ساسانیان در بخش ارتفاعات شمالی هندوکش نیز هرکجا که کوه‌ها رخنه‌ای داشت دیوارهایی احداث می‌کردند از آن جمله می‌توان به «دیوار سغد»، سازه‌ای مشابه دروازه ارغون در کلات بوده و به نام دروازه آهنین شهرت داشت؛ هیون تسانگ زائر چینی در سال ۶۲۹ م. در وصف این دروازه نوشته که این معبر را با دروازه‌ای که به وسیله چفت‌وبست آهنی قفل می‌شد، می‌بستند و بر آن دروازه چند زنگ آهنین آویخته بودند. «دیوار خجند» ۵۰ فرسنگ طول و میان ایران و توران قرار داشت (لباف‌خانیکی، ۱۳۹۳: ۱۴۳-۱۵۳) (تصویر ۱۶).



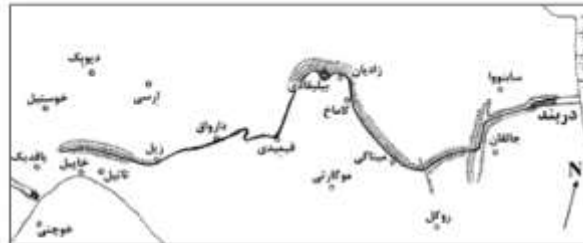
تصویر ۱۶. دیوارهای دفاعی خراسان (لباف‌خانیکی، ۱۳۹۳: ۱۵۱)

۴.۲.۴. دیوار دفاعی دربند

دربند، شهری که در متون با نام‌های همچون «چور»، «دربند» و «باب‌الابواب» شناخته می‌شود. در میانه شهر امروزی دربند بقایای شهر کهن دربند با دیوارهای دفاعی، برج و باروهای ستبر دیده می‌شود که به شکل مستطیل از دریا تا کوه کشیده شده است (نک. تصویر ۱۳). شهر دربند در اواخر دوره ساسانی به دست خزرها افتاد. دو دیوار موازی یکی در شمال به طول ۳۶۵۰ متر دست کم دارای ۲۷ برج و دیگری در جنوب به طول ۳۵۰۰ متر از دریا تا کوه کشیده شده‌اند. کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر دربند بین سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۱ م. توسط گاجی‌اف صورت گرفت. اولین استحکامات دربند مربوط به اواخر قرن ۸ ق.م است و بر اساس توالی فرهنگی چهار دوره قبل اسکیت‌ها، اسکیت‌ها، اواخر اسکیت‌ها و دوره آلبانو-سارماتی دربر می‌گیرد (علیزاده، ۱۳۸۹: ۲۱۷).

در بخشی از کاوش‌های لایه‌نگاری باروی خشتی نمایان شد که ضخامت آن هشت‌متر و ارتفاعی در حدود شش متر از آن باقی‌مانده و تا کوه کشیده شده است؛ بر اساس یافته‌های فرهنگی نظیر سکه و سفال برپایی این باروی دفاعی در ربع دوم سده پنجم میلادی هم‌زمان با فرمانروایی یزدگرد دوم (۴۵۷-۴۳۹ م) است (همان: ۲۱۸) (تصویر ۱۷) در بیست کیلومتری جنوب دربند در محلی به نام بلیجی یک شهر با وسعت

۱۰ هکتار با باروهای دفاعی یزدگرد دوم برپا کرد که شهرستان یزدگرد نام گرفت و امروز آن را «تورپاق قالا» یا قلعه خاکی می نامند (همان).



تصویر ۱۷. استحکامات دفاعی دربند (علیزاده، ۱۳۸۹: ۲۱۶-۲۱۹)

۵.۲.۴. دیوار دفاعی گوری

بقایای دیواری سنگی، معروف به گوری نزدیکی مرز ایران و عراق در شهرستان سر پل ذهاب کشف شده است (نک. تصویر ۱۳). دیوار از سنگ‌های درشت و بوم‌آور با مصالح گچ ساخته شده است. طول دیوار ۱۱۵ کیلومتر از سمت شمال کوهستان بمو^۱ در منطقه ثلاث باباجانی آغاز و در جنوب به روستای ژاومرگ^۲ در نزدیکی گیلانغرب امتداد دارد. این دیوار چهار متر عرض و سه متر ارتفاع داشته است. بقایای سازه‌های سنگی ویران شده در برخی نقاط دیوار مشاهده می‌شود که احتمالاً برج‌های دیده‌بانی بوده‌اند (تصویر ۱۸). ساخت دیوار تقریباً یک میلیون متر مکعب سنگ را شامل می‌شود باتوجه به ظروف سفالی موجود در کنار دیوار و وجود بنای ارزشمند اشرافی قلعه یزدگرد

1- Bamu.

2- Zhaw Marg.

در منطقه ریجاب احتمالاً قدمت دیوار دفاعی به دوره اشکانی یا ساسانی تعلق داشته باشد (Alibaigi, 2019: 3-7).



تصویر ۱۸. موقعیت جغرافیایی و بخش‌هایی از دیوار دفاعی گوری (Alibaigi, 2019, fig 2 & 4)

۵. نتیجه‌گیری

در ابتدای پژوهشی سؤالی مطرح شد این که چه شواهدی باستان‌شناختی، از نظام ارتش ساسانی در ایران فرهنگی یافت گردیده است؟ در پاسخ بدین سؤال می‌توان این‌گونه پاسخ داد که در دوره ساسانی تهدیدهای مداوم از طرف همسایگان چه از جهت شرق، شمال شرق (هون‌ها و هپتالیان)، غرب و قفقاز (اقوام خزرها)، بین‌النهرین و... سبب شده بود که پادشاهان ساسانی به علت دغدغه‌ای که جهت حفاظت از قلمرو خویش داشتند در مناطق حساس جغرافیایی جهت حفاظت از راه‌ها و جلوگیری از یورش اقوام بیگانه به خاک امپراتوری شروع به احداث سازهای دفاعی (پادگان، دژ، قلعه، خندق، دیوار و...) به‌عنوان بخش عمده‌ای از ساخت‌وسازهای ساسانی کردند. این خود نشان از اهمیت امنیت و دفاع از تمامیت ارضی کشور، مرزها و راه‌ها برای مقاصد گوناگون از جمله تجارت و اجرای دقیق نظام‌های دیوانی بود. همان‌گونه که در پژوهش بررسی شد در دوره قباد و خسرو انوشیروان بر اساس منابع تاریخی به علت اصلاحاتی اساسی در نظام اداری و حکومتی (سیاسی) کشور سبب شد که فعالیت‌های عمرانی بزرگ همچون ساخت دیوارها و باروهای دفاعی در مرزها و غیره پرداخت و ساختارهای دفاعی چهار ناحیه ساسانی بازآرایی شد. بررسی‌ها و کاوش‌هایی که در محوطه‌های ساسانی در ایران فرهنگی انجام گرفته و احداث بی‌شماری دژ، دیوار و سایر تأسیسات دفاعی نشان از آن

دارد که در دوره ساسانی دیوان سپاه از اهمیت شایانی برخوردار بوده است و نمود آن در آثار باستان‌شناختی بناهایی همچون دیوار دفاعی دربند، گرگان، تمیشه، کلات، دربند ارغون، گوری و غیره، دژهایی چون سیراف، قصر ابونصر، ایرج، قلعه دختر بازه هور، شیرکوه، قادسیه و سامرا و غیره می‌توان بررسی و مشاهده نمود.

منابع

- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۳۶۹). تجارب الأمم، ترجمه ابوالقاسم امامی، جلد ۱، تهران: سروش. ##
- ایناسترانتسیف، کانستانتین (۱۳۸۴). تحقیقاتی درباره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظمزاده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. ##
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد (۱۳۸۶). تاریخ بلعمی، به تصحیح ملک الشعرا بهار و محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات هرمس. ##
- باغ شیخی، میلاد؛ اسمعیلی جلودار، محمد اسماعیل؛ خسروزاده، علیرضا؛ علیان، علمدار، (۱۳۹۸). «محوطه یادمانی شیرکوه ناین، نشانه‌ای نو در مطالعات دوران ساسانی فلات مرکزی ایران (ارزیابی شواهد باستان‌شناختی و متون نوشتاری)» مجله مطالعات ایرانی، شماره سی و پنجم، صص ۳۵-۱. ##
- پروکوبیوس (۱۳۳۸). جنگ‌های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. ##
- پورشریعتی، پروانه (۱۳۹۷). زوال و فروپاشی ساسانیان، ترجمه خشایار بهاری، تهران: انتشارات فرزاد روز. ##
- تفضلی، احمد (۱۳۶۴). مینوی خرد، تهران: انتشارات توس. ##
- تفضلی، احمد (۱۳۸۷). جامعه ساسانی ارتشتاران، دبیران و دهقانان، ترجمه مهرداد قدرتی دیزجی، تهران: انتشارات نشر دانشگاهی. ##
- توفیق، سامان، فیرومندی شیره‌جینی، بهمن و محمد مرتضایی (۱۳۹۷). «در بندکولا، آوردگاه راهبردی اسپهبدان تبرستان در برابر اعراب»، فصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۸، صص ۱۲۳-۱۴۰. ##
- ثعالی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک بن محمد (۱۳۶۸). تاریخ ثعالی، مشهور به غر اخبار ملوک الفرس و سیرهم پاره نخست: ایران باستان، ترجمه محمد فضائی، تهران: انتشارات نقره. ##
- جانستن، جیمزهاورد (۱۳۹۲). دولت و جامعه در ایران اواخر عهد باستان، در مجموعه مقالات ساسانیان، به کوشش وستاسرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: انتشارات مرکز، صص ۱۵۰-۱۶۷. ##
- جعفری‌دهقی، محمود (۱۳۹۵). راهنمای کتیبه‌های فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، تهران: انتشارات سمت. ##

- خسروزاده، علیرضا (۱۳۹۶). باستان‌شناسی خلیج فارس در دوره اشکانی و ساسانی، تهران: انتشارات سمت. ##
- دریایی، تورج (۱۳۹۳). تشکیلات نظامی در ایران باستان، در کتاب تاریخ جامع ایران، به‌کوشش کاظم موسوی بروجنی، جلد ۳، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، صص ۵۳۷-۵۶۸. ##
- دریایی، تورج (۱۳۹۴). تاریخ فرهنگ ساسانی، ترجمه مهرداد قدرت دیزجی، تهران: ققنوس. ##
- رضایی دشت‌ارژنه، محمود (۱۳۹۲). «جایگاه درفش کاویانی در شاهنامه فردوسی» در فصلنامه متن پژوهی، شماره ۵۵، صص ۵-۲۰. ##
- سامی، علی (۱۳۸۹). تمدن ساسانی، جلد ۲، تهران: انتشارات سمت. ##
- شیپمان، کلاوس (۱۳۹۰). مبانی تاریخ ساسانیان، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: انتشارات فرزاد روز. ##
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۲، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. ##
- عبدالمحمدی، حمیدرضا؛ اسماعیلی، پوریا و محمدرضا بیگی (۱۳۸۹). «بررسی متون پهلوی غیردینی در ادبیات عصر ساسانی» فصلنامه نامه پارسی، شماره ۵۵، صص ۱۴۹-۱۶۷. ##
- عزیزاده، کریم (۱۳۸۹). «در بند شهری برای دفاع: بازبینی ساخت‌وسازهای دفاعی دوره ساسانی در قفقاز» دو فصلنامه تحلیلی- پژوهشی باستان‌شناسی، تاریخ هنر و مطالعات میان‌رشته‌ای، شماره سوم، صص ۲۱۲-۲۲۲. ##
- علی‌تاجر، سعید، اکبری، علی (۱۳۹۱). «ساخته‌های ساسانی در دل ایرانشهر به روایت متون تاریخی» فصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۳، صص ۲۵-۴۴. ##
- فتاحی، مرتضی، رضاخانی روزبهانی، فرشته (۱۳۹۴). «دیوار بزرگ گرگان: سن‌یابی به‌روش رخشانی بخشی از دیوار» فصلنامه ژئوفیزیک ایران، شماره ۹، صص ۴۵-۵۹. ##
- فن‌گال، هوبرتوس (۱۳۸۷). جنگ‌سواران در هنر ایرانی و هنر متأثر از هنر ایرانی در دوره پارت و ساسانی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشارات نسیم دانش. ##
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۸۷). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: انتشارات صدای معاصر. ##
- کریمیان، حسن (۱۳۹۳). اوضاع اجتماعی در دوره ساسانی، در کتاب تاریخ جامع ایران، به‌کوشش کاظم موسوی بروجنی، جلد ۳، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، صص ۵۳-۷۰. ##

- کیانی، محمد یوسف، مهیار (بی تا). «دیوار دفاعی گرگان»، مجله اثر، صص ۱۰۲-۱۳۹. ##
- گیزلن، ریکا (۱۳۸۴). چهار سپاهبد شاهنشاهی ساسانی بر اساس شواهد مهرشناسی، ترجمه سیروس نصراله زاده، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور. ##
- لباف خانیکی، میثم (۱۳۹۳). «دیوارهای دفاعی خراسان: حلقه‌ای از یک زنجیره دفاعی قاره‌ای» فصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۶، صص ۱۳۹-۱۵۸. ##
- لباف خانیکی، میثم (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی گچ‌بری‌های نویافته قلعه دختر بازه هور و گچ‌بری‌های بندیان درگز» در: «آفرین‌نامه؛ مقاله‌های باستان‌شناسی در نکوداشت استاد مهدی رهبر»، به کوشش یوسف مرادی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. ##
- لوکونین، ولادیمیر (۱۳۶۵). تمدن ساسانی، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. ##
- محمدی فر، یعقوب، امینی، فرهاد (۱۳۹۴). باستان‌شناسی و هنر ساسانی، تهران: انتشارات شاپیگان. ##
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. ##
- مقتدر، غلام‌حسین (۱۳۶۲). جنگ‌های هفت‌صدساله ایران و روم، تهران: انتشارات دنیای کتاب. ##
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۵). تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، جلد ۱ و ۲، تهران: انتشارات توس. ##
- موسوی‌نیا، سید مهدی؛ نعمتی، محمدرضا (۱۳۹۵). «بررسی باستان‌شناسی قلعه ایرج ورامین؛ تاریخ‌گذاری و کاربری»، دوفصلنامه مطالعات باستان‌شناسی، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۰۸. ##
- مهرآفرین، رضا؛ موسوی حاجی، سید رسول؛ خراشادی، سرور (۱۳۸۸). «پژوهشی بر مناصب لشگری دوره ساسانی با استناد به منابع تاریخی و شواهد باستان‌شناختی» مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان، شماره چهارم، صص ۱۶۸-۱۵۱. ##
- مهرآفرین، رضا (۱۳۹۳). شهرهای ساسانی، تهران: انتشارات سمت. ##
- مجیدی، داود؛ گیوه‌چی، سعید؛ نوری کرمانی، علی (۱۳۹۰). «به‌کارگیری اصول پدافند غیرعامل در بنای شهر- دژها در ایران باستان» فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره چهارم، صص ۳۷-۴۸. ##
- نوایی، ماهیار (۱۳۷۴). یادگار زیریران، تهران: انتشارات اساطیر. ##
- نیکول، دیوید (۱۳۹۵). ارتش ایران ساسانی، ترجمه محمد آقاجاری، تهران: انتشارات ققنوس. ##

- واندنبرگ، لویی (۱۳۴۸). باستان‌شناسی ایران باستان، با مقدمه رومن گیرشمن، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ##
- هاشمی‌نژاد، قاسم (۱۳۶۹). کارنامه اردشیر بابکان، تهران: انتشارات مرکز. ##
- هالیر، اولریش (۱۳۵۴). «دژ آتشگاه و چهارطاق نخلک» در گزارش‌های باستان‌شناسی ایران، هیئت باستان‌شناسان آلمانی، ترجمه سروش حبیبی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ##
- Alibaigi, S. (2019). The Gawri Wall: a possible Partho-Sasanian structure in the western foothills of the Zagros Mountains. *Antiquity*, 93(370), 1-8. ##
- Bivar, A. D. H., & Fehervari, G. (1966). The Walls of Tammī sha. *Iran*, 4(1), 35-50. ##
- Coste, P. X. (1867). *Monuments modernes de la Perse: mesures, dessinés et décrits*. A. Morel. ##
- Daryaee. T. 2009 – *Sasanian Persia, The Rise and Fall of an Empire*. Published by I.B. Tauris. New York. ##
- Daryaee. T. Safdar. K. (2012). A Bulla of the Ērān-Spāhbed of Nēmrōz. IN *NĀMVARNĀMEH; PAPERS IN HONOUR OF MASSOUD AZARNOUSH. TEHRAN*, 163-166. ##
- Huff, D. (2002). *Takt-e Solaymān*. *Encyclopaedia Iranica Online*, www.iranica.com. ##
- Rckavandi, H. O. Sauer, E. W. Wilkinson, T., Abbasi, G. A., Priestman, S., Tamak, E. S., ... & Van Rensburg, J. J. (2008). Sasanian walls, hinterland fortresses and abandoned ancient irrigated landscapes: the 2007 season on the great wall of Gorgan and the wall of Tammishe. *Iran*, 46(1), 151-178.
- Shahbazi, A. S. (1986). Army i. Pre-Islamic Iran. *Encyclopaedia Iranica*, 2, 489-499. ##
- Whitcomb, D. S. (1985). *Before the roses and nightingales: excavations at Qasr-i Abu Nasr, Old Shiraz*. Metropolitan Museum of Art.
- Whitehouse, D. (1974). *Excavations at Sīrāf: Sixth Interim Report*. *Iran*, 12(1), 1-30. ##
- www.liveus.org. ##